

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره ۴۵۳۵۰ صفحه ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شترق

چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ • ۲۸ رمضان ۱۴۴۷ • ۱۸ مارس ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۵۰ صفحه ۴
اذان ظهرتهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۸:۲۲ • اذان صبح فردا ۴:۴۶ • طلوع آفتاب ۶:۱۰

www.sharghdaily.com

aparāt:tasvirshargh

Telegram: SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

اتفاق‌خوانی

درخواست از یونیسف و مجامع بین‌المللی

کشتار کودکان را بررسی کنید

گروه دآوری لاکپشت پرنده با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم‌کردن حمله موشکی آمریکا به دبستانی در میناب و ورزشگاهی در لامرد، از سازمان‌های جهانی خواستار رسیدگی و پایان‌دادن به چنین فجایعی شدند و از خانواده‌ها خواستند از کودکان مراقبت کنند.

متن بیانیه به شرح زیر است:

«آنجه این روزها در کشور عزیزمان می‌گذرد، هولناک است؛ فاجعه‌ای که مثل همه جنگ‌ها ویرانگر است. حمله موشکی آمریکا به دبستان میناب و ورزشگاه لامرد و به خاک و خون کشیده‌شدن بیش از ۲۰۰ کودک و نوجوان در سراسر کشور چنان دردناک است که قلب هر انسانی را به درد می‌آورد. ما ضمن محکومیت این جنایت و ابراز همدردی صمیمانه با خانواده داغدار این عزیزان، از سازمان‌های جهانی، به‌ویژه یونیسف، می‌خواهیم تحقیق و رسیدگی به این موضوع را در دستور کار قرار دهند و کوشش خود را برای پیشگیری از تکرار چنین فجایعی در جهان به کار بندند.

اما این همه فاجعه نیست. کودکانی که در معرض آسیب‌های جسمی قرار می‌گیرند یا با صدای انفجار و لرزش پنجره‌ها و دیوارها روزها و شب‌هایشان را می‌گذراندند و ویرانی‌ها و از دست‌رفتن عزیزانشان را به چشم می‌بینند، نیازمند مراقبت‌های ویژه‌اند. افزایش دانش ما برای موقعیت‌های پرخطر براساس راهنماهای سازمان‌های معتبر داخلی و بین‌المللی، نخستین گام در مواجهه با خطرها و آسیب‌های ناشی از این وضعیت است. رعایت اقدامات ایمنی و حفظ آرامش هنگام بمباران فقط بخشی از مراقبت‌هایی است که برای کودکان و نوجوانان از همه برمی‌آید.

وقت‌گذراندن و بازی‌کردن با کودکان، گفت‌وگوهای صادقانه بدون جزئیات ترسناک درباره جنگ، در آغوش گرفتن و نوازش کودکان، سعی در حفظ روال معمول زندگی (خواب، غذا، بازی و درس) و ایجاد حس امنیت ویژه‌ای دارد.

درمان اضطراب ناشی از صدای انفجار و بمباران کودکان نیازمند صبر، آگاهی و تمرین‌های مداوم است. اما با توجه به حساسیت بالای مغز کودکان و انعطاف‌پذیری‌شان، با رعایت نکات ایمنی و مراقب از آنان می‌توانند به شرایط عادی بازگردند.

از بازی‌های دیجیتال ساده هم می‌توان برای کاهش اضطراب کمک گرفت، اما به نظر ما بهترین مکمل برای مقابله با اضطراب کودکان و آموزش نحوه مواجهه با چنین وضعیتی، کتاب است.

هم‌خوانی خانوادگی کتاب‌های داستان یکی از بهترین راه‌ها برای تحکیم روابط عاطفی با کودکان، احساس امنیت دادن و کاهش اضطراب آنان است.

داستان‌های شیرین و شعرهای آهنگین برای خردسالان معجزه می‌کند. برای کودکان بزرگ‌تر هم رمان‌ها و کتاب‌های غیرداستانی مناسبی وجود دارد. استفاده از فهرست‌های معتبر برای انتخاب بهترین کتاب‌های کودک و نوجوانی می‌تواند دستیار مؤثری برای خانواده‌ها باشد.

جنگ پدیده زشتی است که مرگ و ویرانی و تباهی به بار می‌آورد. در آستانه سال نو امیدواریم امسال با صلح و سربلندی ایرانیان به پایان برسد.

تاکنون افراد و انجمن‌های متعددی به کشتار کودکان و همچنین کشته‌شدن کودکان دانش‌آموز در مدرسه میناب اعتراض کردند. در مراسم اسکار که به‌تازگی برگزار شد، یواخیم تریه، کارگردان فیلم «ارزش احساسی» از نروژ، پس از دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم بین‌الملل، به فاجعه میناب و کودکان غزه اشاره کرد و گفت: «همه بزرگسالان مسئول همه کودکان هستند و ما نباید به سیاست‌مدارانی رای دهیم که این موضوع را در نظر نمی‌گیرند». همچنین خاویر باردم، بازیگر اسپانیایی نیز با سنجاق سینه فلسطین و نوشته «نه به جنگ» روی سن اسکار حاضر شد. او پیش از این به جنگ اخیر آمریکا علیه ایران نیز واکنش نشان داده بود. جلوی کاخ سفید هم در اعتراض به این فاجعه تظاهراتی برگزار شد.

نوروز در راه است، اما دل‌ها هنوز در زمستان مانده‌اند. ایرانیان سالی را پشت سر گذاشتند که شاید در حافظه جمعی به عنوان یکی از دشوارترین سال‌ها ثبت شود. در دل همین روزهای سخت، هنوز چیزی زنده است؛ امیدی کم‌رنگ اما مقاوم که اگر تقویت شود، می‌تواند راه آینده را روشن کند.

سال ۱۴۰۴ را باید سال فشارهای چندلایه نامید. سالی که اقتصاد، سیاست و امنیت، هم‌زمان بر زندگی مردم سنگینی کردند. قیمت‌ها چنان بالا رفت که بسیاری از خانواده‌ها برای تأمین ساده‌ترین نیازهای زندگی هم دچار مشکل شدند. طبقه متوسط که ستون ثبات اجتماعی هر جامعه‌ای است، زیر چرخ‌های تورم گرفتار شد و طبقات ضعیف‌تر نیز بیش از گذشته در تنگنا قرار گرفتند.

در بهار همین سال، مذاکراتی که بسیاری امید داشتند به کاهش تنش‌ها و بهبود شرایط اقتصادی منجر شود، به نتیجه نرسید. آنچه رخ داد، حمله نظامی به ایران در میانه مذاکرات بود. این جنگ که ۱۲ روز طول کشید، قیح تجاوز نظامی به ایران را شکست و جامعه را وارد مرحله‌ای تازه از نگرانی کرد. مردم که در برابر تهدید خارجی، همبستگی ملی از خود نشان داده بودند، انتظار داشتند این همبستگی قدر دانسته شود و گامی برای نزدیکی بیشتر میان دولت و جامعه برداشته شود. اما چنین نشد.

لجام‌کشیختگی تورم و رشد عجیب قیمت‌ها، در پایین ناآرامی‌هایی را در بازار تهران ایجاد کرد که به‌سرعت در همه جای کشور گسترش یافت. اقتصاد کشور که هم‌زمان زیر فشار تحریم‌ها و تبعات جنگ قرار داشت، نیازمند واکنشی سریع برای کنترل تورم، ترمیم معیشت و بازگرداندن امید اجتماعی بود، اما این واکنش به‌موقع شکل نگرفت.

در زمستان دوباره مذاکراتی شکل گرفت، اما بار دیگر کشور در میان گفت‌وگوها با تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل مواجه شد که هنوز ادامه دارد. خسارت‌های اقتصادی و زیرساختی این رخدادها هنوز به‌درستی برآورد نشده است. بسیاری از مردم با نگرانی می‌پرند جریان این آسیب‌ها چند سال زمان خواهد برد و مهم‌تر از آن، پایان این مسیر پرتنش کجاست؟

خون است دلم برای ایران/ جان و تن من فدای ایران

منوچهر سرتوده

دو هفته‌ای می‌شود که پس از آن ۱۲ روز هشت ماه پیش، این‌همه جان گرایی، این‌همه خون عزیز، دارد مثل گل بریر می‌شود و صدایی از این‌همه ندادی حقوق بشر درمی‌آید و متجاوز حالا کارش به جایی رسیده که خود را مدعی آزادی می‌داند. مردم بی‌گانه‌ی که حالا دارند تاوان آتش افروزی و جنگ‌طلبی مشتکی ددمنش را می‌دهند و به خود اجازه داده‌اند به ایران ما حمله و بدزدند. یورشی که همه‌اش بهانه‌ای است برای غارت و یغمای نفت و مواد معدنی این سرزمین. سر آن دارند تا با تغییر حکومت از آن مهم‌تر تجزیه و تخلیه ایران از اقوام ایرانی، ایران‌ستانی سازند و هرچه می‌خواهند ببرند و بدزدند. چنان روش و منشی که دست‌کم در این دو سده اخیر داشته‌اند. قبل‌ترش البته اگر صفویان، افشاریان و زندیان، بر جای ن‌شاندنشان، اما بعد کوشیدند با لطایف‌الجلیل، با هر طریق و ترتیبی که می‌توانند بر ایران حاکم و حامل شوند؛ خواه با منازعه‌ها و مخاصمه‌ها، و خواه با معاهده‌ها و معاهده‌ها. در برخی مواضع کامیاب بودند و هرات و آذربایجان را از وطن جدا کردند یا بر کنشیرتانی، کم‌رنگ‌ها، جنگل‌ها، مواد معدنی و نفت استیلا یافتند و در بعضی مواقع مانند قیام توپون و تبتاکو یا ملی‌شدن نفت، مردم را مقابل خود دیدند و کنار کشیدند. این سرزمین غم‌کم ندیده است اما مردمانش، چه در مقاومت ملی و چه در پایداری محلی، خون دادند اما خاک ندادند؛ در مقابل مشتکی اجنبی خواه وطن‌فروش، این نام وطن‌پرستان است که بر تارک تاریخ این‌کهن‌بوم می‌درخشد. در همین رزم جدید که خیال بزمنی از پس آن داشتند اما عیش‌شان منقض شد، در کنار آن همه جان‌باخته بی‌خط و خطا، و آن همه خان‌رومان آوار آمده و هوار شده و البته کویدین و کوفتن مدرسه، بیمارستان، داروخانه، زایشگاه، یتیم‌خانه، بازار، کارگاه، دانشگاه، کتابخانه، ورزشگاه، بانک، تأسیسات نفتی و آب‌شیرین‌کن، که مثل روز روشن است، هیچ‌یک دخلی به نظامیات ندارند و همه‌شان صدقات و معیار جنایت علیه بشریت هستند، نابودکردن میراث فرهنگی و آینه‌ت تاریخی خود حدیثی دگر است. قصه‌ای پرغصه که هرقدر فکرش می‌کنم، بیشتر و بدتر دلم به درد می‌آید. آسیب و صدمه به آن



انبار ذخیره داروی بیماران خاص و شیر خشک واقع در شهرک صنعتی بوعلی همدان، در ادامه حملات هوایی آمریکا و اسرائیل تخریب و به تعدادی از واحدهای تولیدی اطراف خسارت جدی وارد شد. عکس: مریم رحمانی، ایسنا

بهار ۱۴۰۵ نالان آمده تا امید جان بگیرد



قادر باستانی تبریزی

در چنین فضایی طبیعی است که حال و هوای نوروز هم رنگ دیگری به خود بگیرد. کافی است سری به بازارها بزنید. نه از آن چگ‌وچانه‌های پُرشور خبری هست، نه از آن هیاهوی خریدهای خانوادگی. بادش بخیر، زمانی که اسفند می‌رسید، کوچه‌ها و خیابان‌ها پر از صدا می‌شد. صدای دستفروش‌ها، شور بازارچه‌ها، خانواده‌هایی که با بچه‌های قدونیم‌قد از این مغازه به آن مغازه می‌رفتند. صدای حاجی‌فیروز که با آواز و رقصش خیر از آمدن بهار می‌داد. آن روزها خرید شب عید فقط یک خرید ساده نبود؛ جشن کوچکی برای آغاز زندگی تازه بود.

امروز اما بسیاری از مردم برای همان خریدهای ضروری هم باید حساب‌وکتاب کنند. بخش بزرگی از جامعه با دشواری‌های معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. با این حال، شهروندان نجیب این کشور هنوز صبورند. آنها دردها را تحمل کرده‌اند اما وقتی می‌بینند میان زندگی خود و زندگی برخی مدیران و مسئولان فاصله‌ای عمیق وجود دارد، طبیعی است احساس بی‌عدالتی کنند.

امروز بیش از هر زمان دیگری روشن است که رابطه میان جامعه و حکومت نیازمند بازنگری است. راه تعامل با مردمی که این‌همه فشار را تحمل کرده‌اند، با بهبود حکمرانی، افزایش کارآمدی و تقویت فرهنگ گفت‌وگو ممکن است. جامعه ما سال‌هایست با بحران گفت‌وگو روبه‌روست. در جامعه‌ای که نهادهای مدنی، تشکل‌های صنفی و احزاب سیاسی واقعی امکان ایفای نقش مؤثر ندارند، اصل نمایندگی دچار خدشه می‌شود. وقتی نمایندگی تضعیف شود، گفت‌وگو نیز شکل

یادداشت

ای وطن خواهان زنهار! وطن در خطر است*

در غمِ تخریب کلی و جزئی شماری از موارِیث تاریخی ایران در جنگ تحمیلی



حمیدر ضامحمدی

روزنامه‌نگار

امکنه مردمی و غیرجنگی – که پیش‌تر نامشان رفت– اگر چه شاید با دل خون و صرف هزینه هفت‌ تا بودجه عمومی زنده‌رکن‌نشان مقدر و میسور باشد، اما این موارِیت که به‌مثابه نماد فرهنگ، ادب، تاریخ و جغرافیای مینهمان هستند، و جملگی‌شان بی‌مانند و بی‌جایگزین و شماری‌شان نام‌دار و نام‌آور در پهنه‌گیتهی، اگر خطّ و خش و خراشی متوجه‌شان شود، به تاریخ و فرهنگ یک سرزمین‌گزند رسیده و همین است که تا عمق جان و کنه وجود را خوین و مالن می‌کند. به همین سبب هم هست که یونسکو، اِیکوم و اِیکوموس، نسبت به این مهم حساسیت ویژه دارند و کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه با نشان «سیر آبی» تعریف و تصویب شده است. اما درد و دریغ، وقتی جنون جانان غلیان کند و قلقل زد و تن تحیف‌ناهی محترم و مستحشم، بازرسیده و برکنارمانده از روزگاران را به تیر توحش بیازراند و آب از آب تکان نخورد و کار از کار بگذرد بی‌آنکه بداند و بهفهمد که عمر ۴۱۱ساله کاشی‌های مسجد شیخ‌لطف‌الله اصفهان، ۱۷۳ سال از کشور آمریکا و ۳۴۵ سال از رژیم صهیونیستی بیشتر است، یونسکو را چه حاجت، حتی اگر چندین و چند بیانیه و قطع‌نامه صادر کند به امضای تمام جهانیان. دشمنانی که حتی نشان جهانی سیر آبی را نیز به هیچ انگاشته‌اند. آیا می‌تواند درد نابودی کاخ رشک اصفهان یا عمارت مجلس سنا، کلاترتی بازار، کلاترتی بهارستان، سردر دفتر امریکبیر، ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی و سینما شکوفه در تهران را که با خاک یکسان شده‌اند و امروز دیگر اثری از آثارشان نیست درمان کند. یا آیا یاری آن دارد که بایستد و نگذارد با قرارگرفتن میراث فرهنگی ایران در فهرست «اموال فرهنگی تحت حفاظت تقویت‌شده» یونسکو، کاخ چهلستون، عمارت

خبرخوانی

یک نشریه تازه متولد شد

شاید باورکردنی نباشد اما چند روز پیش در یک کتابفروشی مراسم رونمایی از نشریه جدیدی خاص کودکان و نوجوانان برگزار شد. پوریا عالمی و اعضای هیئت‌تحریریه داینا ماینا به‌همراه جمعی از اهالی فرهنگ و هنر و همچنین چند نفر از نوجوانان و کودکانی که در تهیه این نشریه نقش داشتند، در کنار هم جمع شدند. از هم‌راهان این نشریه می‌توان به عرفان خسروی، ارغوان سمر، سلمان طاهری، ندا حیدری، مهسا پورحقیان، پدram لاجوردی و شهزاد همتی اشاره کرد. شکل و شمایل این نشریه متفاوت با بسیاری

جنگ‌خوانی

عید متفاوت امسال

یکی از عیدهای جنگ هشت‌ساله که عراق راه به راه به تهران موشک می‌زد، یادم است سال که تحویل شد صدای مهیسی آمد. نمی‌دانم چند موشک به تهران خورد. انگار چشم نداشتند ببینند مردم کمی شادی و آرامش داشته باشند. حالا و این روزها که صبح، ظهر، شب و نصف شب در گوشه‌گوشه کشور مورد حمله قرار می‌گیریم، یاد آن روزها افتاده‌ام. آن موقع اگر زور زندگی آن‌قدر بود که عید را با جدیت تمام جشن می‌گرفتیم، اما حالا یک جوری یادمان رفته که عید هم نزدیک است. بهار نزدیک است. بهار با همسان بارانش و گل‌های تازه‌جوانه‌زده کم‌کم دارد می‌آید. هرچند امسال خبری از انبوه سنبل، سبزه و گلدان‌های رنگ‌ووارنگ نزدیک گل‌فروشی‌ها و وسایل سفره هفت‌سین نیست. خیابان‌های مرکزی خلوت‌اند و بسیاری از مغازه‌ها خالی یا بسته است. حق هم داریم؛ هنوز سوگوار اتفاقات

دی بودیم که جنگ شد و زیر آوار سوگ درحال دفن‌شدن هستیم. حتی اگر هم بخواهیم دنبال اندکی زندگی و اندکی شادی بگردیم، شاید نتوانیم. دیروز که کمی در ترافیک خیابان‌های مرکزی شهر مانده بودم با خودم گفتم از آن بروهت و خلوتی روزهای قبل خیلی بهتر است. وقتی پیرمردی را دیدم که جلوی خانه‌اش یک ظرف کوچک گذاشته بود و ماهی قرمز می‌فروخت، جا خوردم. آجیل‌فروشی که دم عید مغازه‌اش صف بود حالا خلوت و خالی، چندا از سین‌های سفره هفت‌سین و تخم‌مرغ رنگی‌ها را گوشه‌ای دور گذاشته بود. انگار می‌دانست مشتری‌ها قرار نیست سراغشان را بگیرند. از ابتدای جنگ تاحالا ۶۱ هزارو ۱۸۲ مرکز غیرنظامی آسیب دیده که از این میزان واحدهای مسکونی غیر از تهران ۳۴ هزارو ۵۴۸ واحد است. در تهران نیز ۱۸ هزارو ۱۸۰ واحد مسکونی و تجاری دچار آسیب شده و هشت هزارو ۸۱ واحد تجاری نیز در خارج از استان تهران و در سراسر کشور آسیب دیده است.

شهرداری ظرفیت ۱۳ هتل را در اختیار آسیب‌دیدگان قرار داده است، اما ظرفیت هتل‌ها کفایت نمی‌کند. سه هزار مدرسه هم در کل کشور در اختیار اسکان اضطراری قرار گرفته است. این فقط بخشی از آسیب‌هایی است که در این روزها بر سر مردم آوار شده است. کودکانی هستند که با هر صدایی می‌هراسند و گریه می‌کنند. «بی– یک‌ها» و «بی–دو»ها بر آسمان تهران و شهرهای مختلف پرواز می‌کنند و هر عبور و مرورشان افراد زیادی را دچار مشکل می‌کند. کودکان از همه بیشتر و سالمندان هم همین‌طور. در تهران ۱۳ هزار سالمند هستند که شرایط سختی دارند. در حمله روز دوشنبه به تهران، مأموران هلال‌احمر ناکزیر شدند یک خانه سالمندان ارتودکس را در خیابان بهار تخلیه کنند. ما مانده‌ایم و حضور بی‌رحمانه جنگنده‌ها و ایترتی‌که قطع است. هنر نیز این روزها مورد حمله قرار گرفته است. تالارهای هنری در حال آسیب‌دیدن هستند. مانند تالار محراب خسروآباد، سالارسعید (موزه باستان‌شناسی سندنج) و آصف وزیری (خانه کرد) در سنندج؛ در فلک الافلاک و موزه‌های آن ازجمله ساختمان تاریخی اداره‌کل میراث فرهنگی لرستان در خرم‌آباد؛ کاخ صفی‌آباد در بهشهر؛ تکیه بیگلربیگی و دبیرستان تاریخی گرازی در کرمانشاه؛ عمارت سبزاباد و خانه تاریخی وایت‌هاوس در بندر سیراف؛ و موزه باستان‌شناسی دره‌شهر از بلا در

امان بمانند و نگذارد آفات کلی و جزئی که اکنون بر پیکره زنجورشان حادث شده و هر آن ممکن است فرو بزنند، رخ دهد. تازه اینها اینهایی هستند که خبرهای درباره‌شان رسیده است. اما درباره آخ‌های سلطنت‌آباد، فرخ‌آباد، عشرت‌آباد، اختصاصی (سفید) و ملکه مادر، و خانه‌های محمد مصدق و ارباب هرمز و دیگر ساختمان‌های پردیس حکومتی که دسترسی‌ناپذیر هستند یا مکان‌های تاریخی دیگر در شهرهای زیر آتش، به‌ویژه تعدادی‌شان که بافت سنتی خاصی دارند، هیچ نمی‌دانیم. باری دل آدمی می‌سوزد و آتش می‌گیرد از این همه غم؛ از سوگ خسران به ۵۶ اثر جهانی، موزه، بنای تاریخی و محوطه فرهنگی ایران دست‌کم تا زمان نگارش این یادداشت، وقتی آدمی فکر می‌کند این نمادهای باشکوه معماری ایرانی–اسلامی، چه آنهایی که متعلق به عصر صفویه و قاجاریه هستند و چه بقیه که از آن مدرن‌درانند، زیان دیده‌اند و کاشی‌ای، ارس‌ای، دری، پنجره‌ای، سقفی، ستونی، تزیینات شیشه‌ای و چوبی‌ای فروریخته تا حدی که بعضا دیگر ترمیم‌پذیر نیست و از خیره‌ترین معماران هم دیگر کاری بر نمی‌آید و این تازه اینه‌ای هستند که مانده‌اند و کاملا منهدم نشده‌اند. آثاری که گواه گوارا و اروای صادق تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین هستند. کاش این جنگ رودت‌ر یابان پذیرد تا اسناد منقول هویت ملی‌مان بیش از این از دست نرفته‌اند و تهی از معنا نشده‌ایم.

✦**مصراعی سروده ملک‌الشعرای بهار**



در میانه این آشوب و دوگانه جنایت و کتمان با بهتی عمیق نظاره‌گر سکوت جهانی هستیم!

اگر شما امروز برای دفاع از مظلوم اقدامی نکنید، فردا بسیار دیر خواهد بود».